



تفاوت تعبیر قرآن در مورد انسان؛ مبنای راهگشا برای انسان‌شناسی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ضمن همراهی با فرضیه معنادار بودن تفاوت‌های تعبیر قرآن در مورد انسان، آن را فرضیه‌ای قابل پیگیری دانست...

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ضمن همراهی با فرضیه معنادار بودن تفاوت‌های تعبیر قرآن در مورد انسان، آن را فرضیه‌ای قابل پیگیری دانست که می‌تواند به نحو استقرایی مورد بررسی قرار گیرد و از این طریق راهی را در انسان‌شناسی قرآن بگشاید.

حجت‌الاسلام و المسلمین مسعود آذربایجانی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، به بیان نکاتی درباره انسان‌شناسی قرآنی پرداخت.

آذربایجانی ضمن تأیید وجود منظومه‌ای مفهومی در مورد انسان در قرآن، گفت: قرآن به عنوان کتابی که ما معتقدیم دارای نظام فکری است و از نظر مبانی و ریشه‌ها منظومه فکری خاصی را دنبال می‌کند، در مورد انسان که جزء کلیدی‌ترین مفاهیمی است که می‌خواهد راجع به آن صحبت کند، قطعاً دیدگاه و نظرگاه خاص مشخصی دارد.

وی افزود: ما اگر بخواهیم دیدگاه‌های قرآن را استخراج کنیم، یکی از بخش‌های مهم آن این است که بتوانیم دیدگاه آن را راجع به انسان استخراج کنیم. حتی اگر ما سخن از هدایت بگوئیم که هدایت شاید مهم‌ترین مأموریت قرآن است، چنان‌چه خود قرآن به این مطلب تصریح دارد، این هدایت هدایت انسان است و باید دید که این انسان که مخاطب این هدایت است، کیست، چه خصوصیات و چه ویژگی‌هایی دارد و قرآن این انسان را چگونه معرفی می‌کند.

وی بر همین اساس با بیان این‌که قطعاً قرآن تصویری مشخص از انسان دارد، عنوان کرد: به همین دلیل به نظر من می‌آید که مقدمات کافی برای این موضوع وجود دارد که می‌شود بگوئیم قرآن دارای انسان‌شناسی و نگاه خاصی به انسان است و این را باید دنبال کنیم.

وی علاوه بر وجود این انسان‌شناسی بر قابل استخراج بودن آن نیز تأکید کرد و گفت: به نظر ما این انسان‌شناسی قابل استخراج است و می‌توانیم منظومه آن را که قرآن به اشکال مختلف آن را بیان کرده است، ترسیم کنیم.

آذربایجانی در اثبات این مدعا بیان کرد: یک دلیل آن این است که وقتی مجموعه گزاره‌های قرآن را که راجع به انسان است، کنار هم بگذاریم، می‌بینیم که ناظر به یکدیگر هستند و یکدیگر را تبیین و تفسیر می‌کنند و قید می‌زنند. بعضی از آن‌ها عام است، بعضی از آن‌ها خاص است و این‌ها جدای از هم نیستند.

وی با اشاره به آیه‌ای که بیان می‌کند اگر قرآن از نزد کسی جز خداوند بود در آن اختلافات و تعارضات زیادی وجود می‌داشت، گفت: علاوه بر این که این گزاره‌ها ناظر به هم هستند، بر اساس بیان خود قرآن، اگر قرآن از نزد خداست پس باید اختلاف و تعارضی در آن وجود نداشته باشد و گزاره‌های انسان‌شناختی قرآن دارای نظم و انسجام باشند و کاملاً به هم مرتبط.

این مدرس حوزه و دانشگاه افزود: شاید ما بتوانیم دلیل سومی هم بر قابل استخراج بودن نظام انسان‌شناختی قرآن بیاوریم و آن نمونه‌های عینی و واقعی است که در انسان‌شناسی قرآن از سوی بسیاری بزرگان ارائه شده است. این‌ها باز گواه بر این است که ما می‌توانیم این انسان‌شناسی را از قرآن استخراج کنیم.

وی در بخش دیگری از این گفت‌وگو در مورد معنادار بودن تفاوت‌های تعبیر قرآن در مورد انسان گفت: ماجد عرسان گیلانی در کتابی به نام «فلسفه تربیتی اسلام» که یک جلد آن به فارسی ترجمه شده و کتاب خیلی خوبی است، از کسانی است که این ایده را به صورت جدی دنبال می‌کند که تعبیر قرآنی راجع به انسان معانی متفاوتی دارد؛ از جمله وقتی که قرآن «بشر» می‌گوید ناظر به جنبه جسمی و عینی انسان دارد و وقتی که انسان می‌گوید ابعاد کلی و ماهوی را مد نظر دارد. ایشان چنین طبقه‌بندی‌ای را مطرح می‌کند و شواهد خوبی را هم برای این مسئله ارائه می‌کند.

آذربایجانی عنوان کرد: هر چند خود من این مسئله را با یک استقراء تام دنبال نکرده‌ام که برای مثال لفظ «بشر» در قرآن چه دلالت‌هایی دارد، اما به نظر من این به عنوان یک فرضیه قابل پیگیری است و جا دارد که با این شیوه، همه مواردی را که در قرآن لفظ بشر یا انسان به کار رفته است به نحو استقرایی مورد بررسی قرار دهیم و از تفاسیر و مباحث مختلف استفاده کنیم تا ببینیم که آیا با این فرضیه سازگار است یا نه؛ و از این طریق راهی در انسان‌شناسی قرآن گشوده شود.

وی افزود: خود ما هم در کتاب «اخلاق اسلامی» در 10 بخش، انسان‌شناسی قرآن را که ناظر به مباحث تربیتی است ارائه داده‌ایم که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.